

از دواج موقت: به هر دوروی سکه بنگریم

وظایف همسر بودن و پدر بودن را فراموش کرده است. دیگر ادامه زندگی مشترک ما امکان ندارد...»

عده این گونه زنان کم نیست، زنانی که یا خود صیغه هستند و یا شوهرانشان زنانی دیگر را صیغه کرده‌اند.

صیغه، یا به تعبیری ازدواج موقت، در ایران ریشه در سنت و گذشته‌ها دارد که خود - بدون شک - ناشی از مسایل، مشکلات و هنجارهای اجتماعی است. حال باید دید صیغه - این لفظ عامیانه و بسیار ملموس از جهت ظاهری - چه معنایی دارد؟ تحت چه شرایطی انجام می‌پذیرد؟ دیدگاه و نظریات فقها و حقوق‌دانان در مورد آن چیست؟ و چه فواید یا مضراتی دارد؟

ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی تصریح دارد: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.» و در ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی تاکید بر آن دارد که: «مدت نکاح منقطع

نمی‌دهد و اوقات کوتاهی را هم که در کنار ما می‌گذرانند، با سکوت برگزار می‌کنند، گویی

در راهروی شلوغ دادگاه مدنی خاص، پشت در دادگاه زنی ایستاده است؛ زنی تنها، تکیده و پریشان. زنی که آمده است با ارائه درخواست طلاق، از شوهرش جدا شود. وقتی از او می‌پرسیم چرا قصد طلاق گرفتن دارد، می‌گوید: «بیست و پنج سال قبل ازدواج کردم، حاصل این ازدواج پنج فرزند است. دختر بزرگم به عقد جوانی درآمده و تا چند ماه دیگر به خانه بخت می‌رود. شوهرم استاد دانشگاه است و پس از این ۲۵ سال زندگی مشترک، حدود یک سال پیش، و بدون اطلاع من، زنی را - یا سه فرزند - صیغه کرده است و حالا بیشتر اوقات را با او می‌گذرانند. و حتی وقتی دامادم به خانه ما می‌آید، نمی‌توانم علت غیبت پدرزنش را توجیه کنم و یا هنگامی بچه‌ها در مورد ازدواج دوباره پدرشان می‌پرسند، حرفی برای گفتن ندارم. شوهرم هم درباره کاری که کرده هیچ توضیحی

نمی‌دهد و اوقات کوتاهی را هم که در کنار ما می‌گذرانند، با سکوت برگزار می‌کنند، گویی

باید کاملاً معین باشد...»
«دکتر عزت‌الله عراقی» در کتاب «حقوق زن



سن ازدواج در ایران سال به سال افزایش می‌یابد و به موازات آن، به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی و عدم امکان اشتغال، کمبود مسکن، گرانی کرایه مسکن و فاصله بین حقوق جوانانی که شانس اشتغال می‌یابند با هزینه‌های زندگی، و موانع متعدد دیگر، جوانان بسیاری گام به میانجی می‌گذارند بی آنکه امیدی برای ازدواج و تشکیل خانواده داشته باشند.

ادامه این روند اندیشمندان دلسوز و مسؤولیت شناس را نسبت به امکان شیوع و افزایش مفساد اجتماعی نگران می‌کند و آن‌ها را وادار می‌دارد زینهار بدهند و اعلام خطر کنند. در پاسخ به این اعلام خطر، گروهی از مسؤولان و متولیان اخلاق جامعه تسویج «ازدواج موقت» را به عنوان یک راه حل موثر ارائه می‌دهند. اما آیا چنین راه حلی کاربرد دارد؟

یک گروه از ازدواج موقت با حرارت دفاع می‌کنند، و گروهی دیگر آن را در خوش بینانه تر فرض، مسکنی می‌دانند که عوارض جنسی خطرناکی هم دارد. در گزارش تحلیلی زیر این پدیده از دیدگاههای مختلف بررسی شده است.



از: مژگان پورتهرانی

در راهروی شلوغ دادگاه مدنی خاص، پشت در دادگاه زنی ایستاده است؛ زنی تنها، تکیده و پریشان. زنی که آمده است با ارائه درخواست طلاق، از شوهرش جدا شود. وقتی از او می‌پرسیم چرا قصد طلاق گرفتن دارد، می‌گوید: «بیست و پنج سال قبل ازدواج کردم، حاصل این ازدواج پنج فرزند است. دختر بزرگم به عقد جوانی درآمده و تا چند ماه دیگر به خانه بخت می‌رود. شوهرم استاد دانشگاه است و پس از این ۲۵ سال زندگی مشترک، حدود یک سال پیش، و بدون اطلاع من، زنی را - یا سه فرزند - صیغه کرده است و حالا بیشتر اوقات را با او می‌گذرانند. و حتی وقتی دامادم به خانه ما می‌آید، نمی‌توانم علت غیبت پدرزنش را توجیه کنم و یا هنگامی بچه‌ها در مورد ازدواج دوباره پدرشان می‌پرسند، حرفی برای گفتن ندارم. شوهرم هم درباره کاری که کرده هیچ توضیحی

در دوران ازدواج چیست؟» ازدواج موقت را اینگونه تعریف کرده است که: ازدواج موقت که در فقه و قانون مدنی به نام «نکاح منقطع» نامیده می‌شود همان است که در زبان عامیانه مردم به آن «صیغه» می‌گویند.

هم چنین «دکتر امامی» در جلد پنجم حقوق مدنی خود می‌گوید: نکاح منقطع به وسیله ایجاب و قبول که صریحاً دلالت بر قصد طرفین نماید، منعقد می‌شود.

«شهید مطهری» در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» می‌نویسد: در ازدواج موقت زن و مرد تصمیم می‌گیرند به طور موقت با هم ازدواج کنند. پس از پایان مدت اگر مایل بودند تمدید می‌کنند، و اگر مایل نبودند از هم جدا می‌شوند.

به بیان دیگر ازدواج موقت، ازدواجی است که زن و مرد برای مدت و مهریه معین می‌توانند با یکدیگر رابطه جنسی برقرار نمایند و پس از اتمام مدت، رابطه آنان نیز بدون آن که نیازی به طلاق باشد با پرداخت «مهریه» از طرف مرد و رعایت «عده» از جانب زن پایان می‌پذیرد.

در کتاب «حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟» می‌خوانیم:

«همه مسلمانان ازدواج موقت را مجاز و مشروع نمی‌شمارند. مسلمانان اهل تسنن با اعتراف به این امر که جنین ازدواجی در زمان پیامبر اسلام (ص) وجود داشته آن را ناشی از ضرورت خاص برخی از جنگ‌ها دانسته‌اند و برآیند که بعد از فتح مکه رسول خدا (ص) ازدواج موقت را ممنوع اعلام کرده و در خطبه حجةالوداع (آخرین حج پیامبر (ص)) این ممنوعیت را مجدداً مورد تأکید قرار داده است. شیعیان می‌گویند که ازدواج موقت در زمان پیامبر و خلیفه اول هم ممنوع نبوده است. فقط به هنگام خلافت خلیفه دوم این نوع ازدواج منع شده بود.

«شهید مطهری» در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» می‌نویسد:

مورد اتفاق مسلمانان است که خلیفه دوم در زمان خلافت خود نکاح منقطع را تحریم کرد. وی می‌افزاید: خلیفه از آن جهت به خود حق داد این موضوع را قدغن کند که تصور می‌کرد این مسأله داخل در حوزه اختیارات ولی امر مسلمین است. به عبارت دیگر نهی خلیفه نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی.

«نعمت احمدی» وکیل پایه یک دادگستری در باره تاریخچه ازدواج موقت در دوران حضرت محمد (ص) و خلفای راشدین می‌گوید:

یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنی همین ازدواج موقت است. به گونه‌ای که ازدواج موقت در زمان حضرت محمد (ص) به علت جنگ‌های پیوسته و فاصله مکانی بسیار زیاد بین شهرهای مختلف که گاه در هر یک از این سفرها مردان هوادار حضرت محمد (ص) می‌بایست چند ماه از همسر خود دور بمانند از طرف ایشان اجازه داده شد. اما در زمان باقیمانده خلافت خلیفه دوم (عمر) و تمامی دوران خلافت عثمان ازدواج موقت ممنوع شد. اما با به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) این سنت پیامبر دوباره احیا شد.

تفاوت‌ها

نکاح دائم و موقت به غیر از چند مورد با هم یکسانند. در کتاب «حقوق خانواده» تالیف «دکتر سید حسین صفایی» و «دکتر اسدالله امامی» موارد اختلاف به قرار ذیل آمده است:

۱- تعیین مدت در نکاح منقطع شرط لازم است. (ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی) این شرط یکی از تفاوت‌های عمده بین ازدواج موقت و دائم است و دارای آثار حقوقی و قانونی مهمی است.

۲- تعیین مهریه از شرایط اساسی نکاح منقطع است و در اینگونه نکاح عدم ذکر مهریه در عقد موجب بطلان است. (ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی)

۳- در نکاح منقطع شوهر ملزم به دادن نفقه به زن خود نیست مگر آن که دادن نفقه شرط شده یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. (ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی)

۴- در نکاح منقطع مقررات طلاق اجرا نمی‌شود و جدایی زن و شوهر با انقضاء یا بذل مدت یا فسخ نکاح تحقق می‌یابد. (ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی)

۵- عده زوجه منقطع پس از جدایی شوهر (در غیر زن آبهتن) دو طهر است. درحالی که عده فسخ در نکاح دائم سه طهر است.

۶- در نکاح منقطع زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند. (مستنبط از مواد ۹۴ و ۱۰۷۷ قانون مدنی)

اما به هر ترتیب، مقررات دیگر مربوط به ازدواج دائمی یعنی اجرای صیغه عقد، ثبت در دفتر ازدواج، رضایت کامل زن و مرد، دارا بودن سن قانونی و اجازه پدر یا جد پدری در مورد صیغه و برای دوشیزگان (به طور کلی در هر سنی) باید رعایت شود. در این میان ثبت در دفتر ازدواج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

چه بسیار زنانی که فقط با اتکاء به این سخن که «صیغه را خود زن و مرد می‌توانند بخوانند و محرم شوند» صیغه را جاری می‌کنند. در حالی که این ازدواج درجایی ثبت نمی‌شود و مرد هر زمانی که بخواهد زن را رها کرده و از دادن مهریه به علت ثبت نشدن، سرباز می‌زند و زن هم نمی‌تواند اعتراض کند.

«نعمت احمدی» در این باره می‌گوید:

پس از تصویب قانون ثبت ازدواج (۱۳۱۰ هجری شمسی) به استناد آن ثبت ازدواج اجباری شد. با نگاهی به ستون قبایلهای ازدواج که در آن کلمه موقت یا دائم وجود دارد به این نتیجه می‌رسیم که در ثبت ازدواج موقت و دائم هیچ فرقی وجود ندارد. اما در اوایل انقلاب برگه‌هایی متداول شده بود که حاوی عکس زن و مرد بود و یکی از روحانیون تنها خطبه عقد را (که نشانه محرمیت زن و مرد بود)، جاری می‌کرد ولی به علت سوء استفاده از این اوراق اکنون باید ازدواج موقت همانند ازدواج دائم در دفتر ازدواج ثبت شود.

وی اضافه می‌کند: اگر قرار باشد باب ازدواج موقت مفتوح باشد باید کوشش کرد از نظر مقررات و ثبت واقعه درست همانند ازدواج دائم سخت‌گیری لازم به عمل آید.

دلایل موافقین

در کتاب «حقوق خانواده» تالیف «دکتر سیدحسین صفایی» و «دکتر اسدالله امامی» دلایل طرفداران ازدواج موقت به شرح ذیل آمده است:

۱- ازدواج موقت مانع فساد و فحشاء است. در اجتماعی که ازدواج موقت به رسمیت شناخته نشده است چون ازدواج دائم همیشه ممکن نیست، روابط آزاد بین مردم گسترش می‌یابد و فحشاء و فساد توسعه پیدا می‌کند. اما با ازدواج موقت کسی که نمی‌تواند بار سنگین مسؤولیت ناشی از ازدواج دائم را به دوش بکشد ازدواج موقت راه‌حل ساده‌ای برای ارضاء جنسی است.

۲- روابط آزاد دارای نظم و انضباطی نیست و تعهداتی برای اشخاص ایجاد نمی‌کند، اما عقد منقطع دارای نظم و قاعده است و تعهداتی برای طرفین ایجاد می‌کند، به ویژه از لحاظ اولاد و مزیت قابل توجهی نسبت به روابط آزاد دارد، زیرا فرزندان ناشی از ازدواج موقت به پدر و مادر خود ملحق می‌شوند و دارای تمام حقوق فرزندان مشروع هستند و پدر و مادر باید در

نگاهداری و تربیت آن‌ها بکوشند درحالی که فرزندان ناشی از روابط آزاد سرنوشتی شوم و رقت‌بار دارند.

۳- از عقد منقطع می‌توان به عنوان یک دوره آزمایشی برای رسیدن به نکاح دائم استفاده کرد: یعنی داشتن یک دوره آزمایشی به نام ازدواج موقت که در صورت رضایت بخش بودن به ازدواج دائم تبدیل شود.

«شهید مطهری» نیز دلایل لزوم ازدواج موقت را با بیانی دیگر در کتاب «نظام حقوقی زن در اسلام» تحت عنوان‌های زندگی امروز و ازدواج موقت، آورده است.

معایب ازدواج موقت

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی در مورد ازدواج، چه موقت و چه دائم تصریح می‌دارد: «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است...» بنابراین اگر یک دختر باکره بخواهد ازدواج موقت داشته باشد طبق این ماده باید اجازه پدر یا جد پدری را داشته باشد. «نعمت احمدی» می‌گوید:

ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر یا جد پدری اوست. این یک اصل قانونی است.

معایب و مفاصد نکاح منقطع

«شهید مطهری» در همان کتاب ۴ مورد از ایرادات مخالفین ازدواج موقت را ذکر کرده و در رد آن‌ها پاسخ داده است.

مخالفین عقیده دارند:

۱- پایه ازدواج بردوام است. زوجین از اول که پیمان زناشویی می‌بندند باید خود را برای همیشه متعلق به یکدیگر بدانند. و تصور جدایی در مخیله آن‌ها خطور نکند، در حالی که ازدواج موقت نمی‌تواند پیمان استواری میان زوجین باشد.

«شهید مطهری» در جواب می‌گوید: ما نمی‌خواهیم ازدواج موقت را جانسین ازدواج دائم کرده و با این کار ازدواج دائم را منسوخ نماییم. ازدواج موقت از آن جهت توصیه شده است که ازدواج دائم به تنهایی قادر نباشد احتیاجات رفع کند. بدیهی است، هیچ پسر یا دختری آنجا که برایش زمینه یک زناشویی دائم و همیشگی فراهم است، خود را به یک امر موقتی سرگرم نمی‌کند.

۲- ازدواج موقت از طرف زنان و دختران ایرانی که شیعه مذهب هستند استقبال نشده و

آن را نوعی تحقیر می‌دانند. «شهید مطهری» در جواب می‌نویسد: اولاً، علت این نفرت سوء استفاده‌هایی است که مردان هوسران در این زمینه کرده‌اند و قانون باید جلوی آن‌ها را بگیرد. ثانیاً، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که از ازدواج موقت مانند ازدواج دائم استقبال شود زیرا ازدواج موقت به علت عدم امکان برای ازدواج دائم انجام می‌شود.

۳- نکاح منقطع برخلاف حیثیت و احترام زن است زیرا نوعی کرایه دادن جسم و جواز آدم فروشی است. استاد مطهری می‌نویسد: این ایراد از همه عجیب‌تر است. ازدواج موقت، با مشخصاتی که قبلاً گفتیم هیچ ربطی به اجاره یا کرایه ندارد. آیا محدودیت مدت ازدواج موجب می‌شود که از صورت ازدواج خارج و شکل کرایه و اجاره به خود بگیرد؟ آیا چون حتماً باید مهریه معین و قطعی داشته باشد، کرایه و اجاره است؟ و اگر بدون مهریه بود مورد چیزی نثار زن نمی‌کرد زن حیثیت انسانی خود را باز یافته بود؟

۴- نکاح منقطع از نظر این که دوام ندارد آشیانه نامناسبی است برای کودکانی که بعداً به وجود می‌آیند. «شهید مطهری» در جواب می‌گوید: یکی از تفاوت‌های ازدواج موقت و دائم مربوط به تولید نسل است. در ازدواج دائم هیچیک از زوجین بدون جلب رضایت دیگری نمی‌تواند از زیر بار تناسل شانه خالی کند. در ازدواج موقت زن نباید مانع استمتاع مرد شود ولی می‌تواند از حاملگی خود جلو بگیرد. و این موضوع با وسایل ضد حاملگی امروز کاملاً حل شده است. اما اگر زوجین در ازدواج موقت مایل باشند تولید فرزند کنند و مسؤولیت نگهداری و تربیت فرزند را بپذیرند، فرزند آنان هیچ فرقی با فرزند ازدواج دائم ندارد و اگر فرضاً پدر و مادر از وظیفه خود امتناع کنند قانون آن‌ها را مکلف و مجبور می‌کند حقوق فرزندان را رعایت کنند. همانگونه که در صورت وقوع طلاق قانون باید دخالت کند و مانع ضایع شدن حقوق فرزندان گردد.

و اما ما حاصل کلام

در یک جمع‌بندی کلی به این نتیجه می‌رسیم که شرایط و دلایلی که در گذشته برای توجیه ازدواج موقت وجود داشت، درحال حاضر از اعتبار کمتری برخوردار است.

«احمدی» درباره یکی از شرایط زمان پیامبر (ص) یعنی دوربودن مرد از همسر خود در مدت زمان طولانی می‌گوید: «درحال حاضر ما

کره زمین را در یک شبانه روز طی می‌کنیم. بنابراین از نظر زمان، دیگر در تنگنا قرار نداریم تا براساس آن تن به ازدواج موقت بدهیم. از سوی دیگر، اگر در گذشته یکی از دلایل ازدواج موقت تنگدستی و نداشتن امکانات مالی مردان بود، در این دوره دیگر کاربرد ندارد، بدین معنا که چه در ازدواج موقت و چه دائم، توانایی مالی یکی از شرط‌های اساسی است، پس اگر مردی امکان ازدواج دائم را نداشته باشد، طبیعتاً برای ازدواج موقت هم دچار مشکل خواهد شد.»

امروزه با نگاهی گذرا به ازدواج‌های موقت در می‌یابیم که در بیشتر مواقع، مردانی به این نوع ازدواج روی می‌آورند که از وضعیت مالی خوبی برخوردارند و این کار را برای خوش‌گذرانی انجام می‌دهند و کمتر پای بند سنت و دلایل دوران گذشته هستند. ممکن است در مواردی مرد به خاطر خصلت نسنوع‌طلبی و یا مشکلات روحی و جسمی همسرش، به ازدواج موقت روی بیاورد که در این شرایط هم، امکان بروز مشکلات خانوادگی و روحی وجود دارد. به ویژه در این میان کودکان دچار آسیب‌های معنوی و اجتماعی خواهند شد. چه بسا به نوعی همان مشکلاتی باشد که بچه‌های طلاق هم درگیر آن‌ها هستند.

و اگر ازدواج موقت را راه‌حلی برای جلوگیری از فساد و فحشاء دختران و پسران بدانیم، وضعیت دختران باکره چه خواهد شد؟ مگر نه این که ماده ۴۳ قانون مدنی، ازدواج دختران باکره را منوط به اجازه پدر یا جد پدری می‌داند؟ چند درصد آن‌ها حاضرند چنین اجازه‌ای را صادر کنند؟ و در صورت وقوع چنین حادثه‌ای، آینده چنین دخترانی چه خواهد شد؟ آیا ازدواج دائم آن‌ها با اشکال روبرو نخواهد شد؟

با این حساب می‌ماند این فرض که ازدواج موقت مخصوص زنان بیوه است، در این صورت باید دید یک زن بیوه با رضایت باطنی تن به ازدواج موقت می‌دهد یا این که عدم امکان ازدواج دائم او را مجبور به این کار کرده است؟

جامعه‌شناسان و وطنمان می‌گویند: امروزه، و در شرایط فعلی، اگر بخواهیم ازدواج موقت را به نوعی پیروی از سنت، و راهی برای جلوگیری از فساد قلمداد کنیم، با ام‌ها و اگرها و سوء استفاده‌های فراوان روبرو خواهیم شد. که شاید با وجود قوانین قابل اجرا و سخت‌گیری‌های قانون، در کنار آسان‌تر شدن شرایط ازدواج دائم، راه‌حل‌های مناسب به دست آید. □